فهرست مطالب:

**اشاره و مقدمه بحث:** 2

**جمع‌بندی آیه وقایه** 2

**دلالت آیه وقایه بماهی** 2

**دلالت آیه وقایه با توجه به روایات** 2

**دلیل دوم: آیه ائتمار** 2

**ترجمه آیه ائتمار** 3

**توضیح آیه ائتمار** 3

**سیاق و مخاطب آیه ائتمار** 3

**سیاق مهم و غیر مهم** 4

**خروج از سیاق با تنقیح مناط** 4

**سیاق در آیات ولایت** 4

**مورد و متعلق آیه ائتمار** 4

**نگاه مضیق و موسع در مفهوم آیه** 5

**قرینه تعمیم و خروج از سیاق** 5

**تعمیم مورد و متعلق آیه ائتمار** 5

**تعمیم ائتمار به کل خانواده** 6

**انواع تعمیم‌های متصور** 6

**آیه در مقام تعلیل** 6

**انواع تعلیل** 6

بسم الله الرحمن الرحیم

**اشاره**

عرض کردیم که در «امر به معرف و نهی از منکر» خانوادگی اولین دلیل قرآنی که مورد تمسک قرار گرفت آیه وقایه بود. **«قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**»(نحریم/6). در این آیه مطالب متعددی که چند بار در فقه تربیتی عرض شده بود، اینجا از منظر این بحث، بررسی کردیم.

**جمع‌بندی آیه وقایه**

**دلالت آیه وقایه بماهی**

جمع‌بندی آیه وقایه این شد که اگر آیه مشتمل بر روایات مفسّره نبود، مفهوم انتزاعی داشت و مورد آن فقط امرونهی نبود بلکه انواع روش‌ها ازجمله روش «امر به معرف و نهی از منکر» را شامل می‌شد. مفهوم آیه عام بود و انتزاعی که بر انواع روش‌ها و اقدامات منطبق می‌شد. «قوا» نسبت به «انفس» حالت تأکید دارد (با توجه به سایر تکالیف شرعی) ولی نسبت به «اهل» حالت تأسیس داشت و بیانگر حکم جدید. این از منظر آیه بماهی هی بود.

**دلالت آیه وقایه با توجه به روایات**

اما اگر آیه با ملاحظه روایات ذیل آن تفسیر و تبیین شود، حکم مستفاد از آن متفاوت می‌شود. در روایات به‌طور خاص به امرونهی انگشت گذاشته شده و این تفسیر با بحث ما نزدیک‌تر است و بحث شفاف‌تر می‌شود. شمول امر «قوا» نسبت به امرونهی از منظر روایات دو احتمال وجود دارد:

1. احتمال اول: وقایه «اهل» منحصر است در «امرونهی و شامل غیر «امر به معرف و نهی از منکر» نمی‌شود.

2. احتمال دوم: وقایه اهل را منحصر در امرونهی نمی‌کند بلکه امرونهی را به‌عنوان مصداق برجسته و بارز و قطعی آن بیان می‌کند.

ما احتمال دوم را قبول داریم. این شد جمع‌بندی بحث در آیه وقایه.

**دلیل دوم: آیه ائتمار**

آیه و دلیل دوم که مورد تمسک قرار گرفته است آیه ائتمار است. در سوره طلاق آیه6 می‌فرماید:

**«أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَ لا تُضآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ كُنَّ أُولاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرى»**[[1]](#footnote-1)‏.

**ترجمه آیه ائتمار**

**ترجمه اول:** همان‌جا كه [خود] سكونت داريد، به قدر استطاعت خويش آنان را جاى دهيد و به آن‌ها آسيب [و زيان‏] مرسانيد تا عرصه را بر آنان تنگ كنيد. و اگر باردارند خرجشان را بدهيد تا وضع حمل كنند. و اگر براى شما [بچه‏] شير مى‏دهند مزدشان را به ايشان بدهيد و به شايستگى ميان خود به مشورت پردازيد، و اگر كارتان [در اين مورد] با هم به دشوارى كشيد [زن‏] ديگرى [بچه را] شير دهد.[[2]](#footnote-2)

**ترجمه دوم**: آن‌ها را (زنان مطلّقه را) در آنجا كه ساكن هستيد از مقدار توانتان سكونت دهيد، و به آن‌ها (از ناحيه مسكن و انفاق و غيره) آسيب نرسانيد تا (زندگى را) بر آن‌ها تنگ نماييد (و مجبور به رفتن شوند). و اگر باردار باشند هزينه آن‌ها را تا آنگاه‌که وضع حمل كنند بدهيد، و اگر براى شما بچه را شير دادند اجرت آن‌ها را بپردازيد، و در ميان خود (راجع به حال طفل) به نيكى به مشورت و قبول گفتار يكديگر بپردازيد، و اگر با يكديگر سختگيرى كرديد، زن ديگرى آن بچه را شير دهد (مرد بايد براى طفل دايه بگيرد).[[3]](#footnote-3)

**توضیح آیه ائتمار**

این سوره مربوط به بحث‌های خانوادگی است و مورد آیه شریفه زن و مردی است که براثر طلاق از همدیگر جدا شده‎اند. در دوره عدّه و به خصوص در دوره حاملگی نفقه و ازجمله مسکن زن باید توسط مرد تأمین شود. بعد از وضع حمل، اگر زن آمادگی داشت برای شیر دادن به نوزاد، اولویت شیردهی با مادر بچه است و باید نفقه‌اش پرداخت شود. اگر طرفین به توافق رسیدند که خوب، و الا مرضعه‌ دیگری بچه را شیر می‌دهد.

در میانه این بحث که در مورد زن مطلقه که شیرده، جمله‌ای آمده است «**وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف**» ظاهر آیه این است که مربوط به زن و مرد جداشده از همدیگر است. آیا آیه اختصاص به امرونهی خانوادگی دارد یا نه؟

**سیاق و مخاطب آیه ائتمار**

نکته اول این است که این جمله که در سیاق بحث از همسران جدا شده از هم، قرار دارد و خطاب متوجه زن مطلقه و مرد مطلق است و به آن‌ها دستور داده شده که با همدیگر مشورت نمایند. سؤال این است که آیا جمله «**وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف**» را می‌توان از سیاق بیرون برد و خطاب را متوجه مطلق زن و مرد دانست و لو اینکه طلاق نگرفته باشند؟

**سیاق مهم و غیر مهم**

در پاسخ دو احتمال وجود دارد:

**احتمال اول:** اگر سیاق خیلی مهم باشد، نمی‌توان آن را نادیده گرفت و خروج از آن جایز نیست.

**احتمال دوم**: آن است که اگر سیاق مهم نباشد، توسعه مفهومی و خروج از سیاق جایز و آسان است.

**خروج از سیاق با تنقیح مناط**

اگر سیاق را قبول داشته باشیم با تنقیح مناط، می‌توان آیه را تعمیم داد تا شامل دیگران هم شود. اما اگر مدلول آیه شمول داشته باشد، خروج از سیاق مشکل می‌شود.

**سیاق در آیات ولایت**

در بحث ولایت مانند آیات تطهیر، اکمال و ... که در سیاق دیگری قرار دارند؛ نیز همین بحث مطرح است که آیا خروج از سیاق ممکن است؟ و راه‌حل آن چیست؟ اینجا شبیه آنجا است با این تفاوت که مورد یکی است.

باید دید آیا خروج از سیاق ممکن است؟ اینجا شمول و خروج از سیاق آسان‌تر است که خطاب از مورد فراتر برود. فراتر از زن و مرد از همدیگر جدا شده و شمول نسبت به تمام زنان و مردان که از همدیگر جدا نشده‌اند. شمول را با تردید عبور کردیم.

**مورد و متعلق آیه ائتمار**

نکته دوم این است که از لحاظ مورد آیا خاص است یا عام؟

اگر سیاق را بگیریم، مورد آیه «شیر» دادن بچه است، این یک احتمال. احتمال دوم این است که مورد آیه شیر دادن است، به‌عنوان مصداق بیان شده است وگرنه آیه شامل هر مسئله‌ای که در مورد تربیت فرزند پیش‌آید را شامل می‌شود. می‌توان آیه را تعمیم داد.

اگر خطاب و متعلق و مورد را تعمیم بدهیم و جرئت پیدا کنیم برای تعمیم دادن؛ آیه شامل غیر مورد طلاق می‌شود و نیز شامل غیر مورد شیردهی می‌شود. هر چیزی که بین والدین و فرزند یا فراتر از تربیت و امور مربوط به فرزند را شامل می‌شود. آیا از موضوع و متعلق آیه، الغای خصوصیت می‌شود؟ نیاز به اطمینان دارد.

**نگاه مضیق و موسع در مفهوم آیه**

نگاه مضیق آیه را خاص می‌کند به مورد شیر دادن و برای دوره بعد از طلاق. نگاه موسع آیه را عام می‌گیرد و شامل امور غیر شیر دادن و صورت عدم طلاق می‌شود. این آیه شبیه آیه وقایه قابل‌بررسی است.

در آیه خروج از سیاق و رفتن به سمت عمومیت اقرب است زیرا جایگاه قرآن کریم بیان قوانین کلی است؛ با این بیان که آیه تبدیل می‌شود به قاعده کلی.

**قرینه تعمیم و خروج از سیاق**

تعمیم آیه به یکی از دو قرینه ممکن است:

1. اولاً تمام آیات به حداکثر ظرفیت خود تعمیم داده می‌شوند. علامه طباطبایی هم شواهدی را آورده و قبول دارد تعمیم از مورد را و می‌فرمایند یجری مجری الشمسو لذا آیه اقتضای عمومیت و شمول دارد. حتی نقل شده که علامه در مواردی تقطیع آیات و استخراج نکات را جایز می‌داند. تعمیم آیه از مورد و رفع ید از سیاق؛ مجموعه شواهدی دارد که بر اساس آن شواهد می‌توان آیات را تعمیم داد.

2. آیا می‌شود جمله عام‌تر را تقطیع کرد؟ مثلاً در آیه‌... «**قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ في‏ خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ**»(انعام/91) که با ثُم به هم متصل شده است و حکم جمله واحده را دارد، آیا تقطیع جایز است؟ مثلاً «**قُلِ اللَّهُ**» بشود یک جمله و مفهوم مستقل از آن به دست آید، «**ثُمَّ ذَرْهُمْ**» جمله دوم و به مفهوم اینکه آنان را رها کن؛ و «**في‏ خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ**» جمله سوم یعنی آنان اهل لهو و لعب هستند. از یک فقره آیه چند جمله مستقل قابل‌استفاده است درعین‌حال یک مفهوم کلی و عام نیز دارد. پس می‌توان چند حکم و قاعده را با تکه‌تکه کردن یک آیه به دست آورد. جمله مستقل که در وسط کلام و در سیاق دیگری بیاید، تقطیع آن آسان‌تر است.

**تعمیم مورد و متعلق آیه ائتمار**

سؤال این است که آیا از ازجمله «**وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ**» که در سیاق آیه و با موضوع خاص آمده است، می‌توان به‌عنوان یک قاعده در روابط خانوادگی استفاده کرد؟

منطق دیگر آن است که آیه ثابت است و معنای خاص دارد. الغای خصوصیت که امری عقلایی است، در اینجا جاری می‌شود لذا از این طریق به راحتی حکم مستفاد از آیه را تعمیم می‌دهیم.

پس با عنوان تفسیر تحت‌اللفظی یا با «الغای خصوصیت» آیه ائتمار روابط همسران را در برمی‌گیرد و اختصاص به تربیت فرزند ندارد. به دلیل اهمیت موضوع این بحث را در خطبه نماز جمعه هم پیگیری می‌کنیم.

**تعمیم ائتمار به کل خانواده**

نکته سوم این است آیا تعمیم آیه از زن و مرد به کل خانواده جایز است یا نه؟ ما جزئت این تعمیم را نداریم.

**انواع تعمیم‌های متصور**

پس چهار دسته تعمیم متصور است:

1. تعمیم از مخاطب مطلقه به مطلق ازواج
2. تعمیم از مورد شیر به مطلق مسائل مربوط به فرزند
3. تعمیم از مسائل فرزند به تمام مسائل و روابط بین زن و شوهر
4. تعمیم از مسائل مربوط به زن و شوهر به کل خانواده و مطلق مسائل خانواده

از این تعمیم‌های چهارگانه در دو مورد اول و دوم، به نظر ما تعمیم قابل‌قبول است. دو تعمیم اول با رفع ید از سیاق و الغای خصوصیت قابل‌قبول است اما دو تعمیم دیگر محل تردید است.

**آیه در مقام تعلیل**

ممکن است گفته شود آیه ائتمار در مقام تعلیل است. مبنای فرمان به ائتمار و مشورت این است که در همه چیز باید مشورت کرد. اگر آیه در مقام تعلیل باشد، رفع ید از سیاق آسان‌تر می‌شود زیرا،

**انواع تعلیل**

تعلیل دو نوع است:

1. گاهی تعلیل با ادوات تعلیل می‌آید

2. و گاهی بدون ادوات و در مقام و موقعیت تعلیل قرار می‌گیرد. حکم شارع به خاطر حکم کلی‌تر است مانند آخر آیات قرآن که به‌منزله تعلیل می‌باشد.

1. . سوره طلاق آیه6 [↑](#footnote-ref-1)
2. . ترجمه فولادوند [↑](#footnote-ref-2)
3. . ترجمه مرحوم مشکینی [↑](#footnote-ref-3)